



۹۴۷.۶

دانشگاه برز
مجمع، هنر و معماری
دانشکده معماری

مرکز احیای صنایع دستی طبرستان

رساله نهایی جهت اخذ کارشناسی ارشد

استاد راهنما

دکتر محمد رضا ابولیا

مهندس بریمان فرح‌را

کتابخانه
مرکز احیای صنایع دستی طبرستان

۰۵-۱۲۲/۱-۳۸۶

دانشجو

عباس عامری

شهریور ۸۴

۹۴۷۰۶

تقدیم به :

**پدرم با تمام خستگیهایش،
مادرم با تمام مهربانیهایش،
و همسرم با تمام خوبیهایش،**

با سپاس از یاری خداوند متعال،

و سپاس از تمامی معلمین و اساتید گرانقدری که در طول دوران تحصیل، نزدشان آموختم و تربیت شدم. و سپاس از کلیه دوستانی که به نحوی در جمع آوری مطالب مرا یاری نمودند .

تشکر فراوان و عذرخواهی از محضر اساتید گرامی ، جناب آقای **دکتر محمد رضا اولیا** و آقای **مهندس نریمان فرح زا** به پاس تمام زحمات ایشان در راهنمایی اینجانب جهت پیشرفت موضوع .

صفحه	عنوان
	فصل اول: فرهنگ و صنایع دستی
۱	مقدمه
۲	شناخت فرهنگ
۲	واژه فرهنگ
۲	مفهوم فرهنگ
۲	تعریف و تبیین فرهنگ
۴	ویژگیهای فرهنگ
۴	فرهنگ مادی و غیر مادی
۴	قلمرو گسترش
۵	فرهنگ و فولکلور
۶	هویت فرهنگی
۶	فرهنگ و تمدن
۸	شورای جهانی صنایع دستی
۹	تعریف صنایع دستی
۱۱	تاریخچه صنایع دستی
۱۴	خلاصه ای از وضعیت صنایع دستی ایران
۱۵	جایگاه صنایع دستی در مباحث مختلف
۱۸	الف : صنایع دستی و سرمایه گذاری
۱۸	ب : صنایع دستی و تکنولوژی
۱۹	ج : صنایع دستی و در آمد ملی
۱۹	د : صنایع دستی و توسعه صادرات
۲۰	هـ : تامین تعادل اجتماعی
۲۰	و : ارتقای ارزشهای فرهنگی و توسعه مبادلات فرهنگی
۲۰	نیاز به حفظ ارزشهای فرهنگی

صفحه	عنوان
۲۲	ز: اثرات جنبی صنایع دستی
۲۲	صنایع دستی در ارتباط با موزه ها و نمایشگاه ها
۲۴	مرکز صنایع دستی جایگاه ترمیم فرهنگ
	فصل دوم: مطالعات محیط (طبس)
	جغرافیای تاریخی طبس
۲۶	وجه تسمیه
۲۶	طبس در اوار مختلف
۲۹	پیشینه تاریخی
۳۰	اماکن تاریخی و مذهبی شهرستان طبس
	ویژگیهای جغرافیایی انسانی شهرستان
۳۴	جمعیت
۳۴	مذهب
۳۴	زبان و نژاد اهالی طبس
۳۴	فرهنگ عامه شهرستان طبس
	ویژگیهای جغرافیایی طبیعی شهرستان
۳۷	تقسیمات کشوری
۳۷	موقعیت و وسعت
۳۷	ناهمواری ها
۳۷	شرایط آب و هوایی
۳۸	هیدرولوژی
۳۸	پوشش گیاهی
	جغرافیای اقلیمی طبس
۳۹	اقلیم
۳۹	ویژگیهای اقلیم گرم و خشک

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۹	خصوصیات عمومی کویر
۴۰	خصوصیات عمومی شهرهای کویری
۴۲	اقلیم شهر طبس
۴۲	دما و رطوبت هوا
۴۲	بارندگی
۴۳	تابش آفتاب
۴۳	وزش باد
۴۵	نتیجه گیری مطالعات جغرافیای محیطی و اقلیمی
۴۸	ویژگیهای معماری مناطق گرم و خشک
۴۹	فرم ساختمان در رابطه با اقلیم
۴۹	جهت ساختمان در رابطه با اقلیم
	فصل سوم : صنایع دستی طبس
۵۰	مقدمه
۵۳	فرشبافی به عنوان صنعتی فعال در طبس
۵۳	فرش
۵۴	مواد و مصالح قالبیافی
۵۵	اجزای قالی
۵۶	فرشبافی در طبس
۵۸	قلمزنی به عنوان صنعت نیمه فعال در طبس
۵۸	قلمزنی
۵۹	تاریخچه
۶۰	وسایل و ابزار قلم زنی
۶۰	روش کار
۶۱	شیوه های قلم زنی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶۲	شیوه قلم گیری
۶۴	گیوه کشی به عنوان صنعت غیر فعال در طبس
۶۴	گیوه کشی
۶۵	گیوه شهری
۶۵	گیوه روستایی
۶۵	مواد اولیه
۶۶	ابزار کار
۶۶	مراحل مختلف ساخت
۶۷	نتیجه گیری
	فصل چهارم : بررسی نمونه های مشابه
	مقدمه
۶۸	تشابه عملکردی مرکز احیاء صنایع دستی و انکوباتور
۶۸	نقش انکوباتورها در ایجاد اشتغال
۷۰	شیوه کار انکوباتورها
۷۱	خدمات انکوباتورها
۷۳	گنجینه هنرهای سنتی
۷۸	تبدیل یک فضای سنتی به کارگاه صنایع دستی - بیرجند
۷۹	نتیجه گیری
	فصل پنجم : مرکز احیاء صنایع دستی طبس
	مقدمه
۸۳	جایگاه نظام سازمانی مرکز صنایع دستی
۸۳	حوزه فعالیت مرکز صنایع دستی طبس
۸۴	اهداف مرکز صنایع دستی طبس

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸۵	تشکیلات مرکز صنایع دستی طبس
۹۴	استاندارها و ضوابط
۹۵	سالن اصلی
۹۵	طرز چین صننلیها
۹۵	صحنه نمایش
۹۵	خطوط دید
۱۰۱	اتاقهای پشت صحنه
۱۰۱	ابعاد سالن
۱۰۱	اتاق پروژه کمیسیون
۱۰۲	فضای انتظار و تجمع
۱۰۲	سرویسهای بهداشت
	فصل ششم : معرفی و تحلیل سایت
۱۰۶	معرفی و تحلیل سایت
	انتخاب سایت
۱۰۶	سایت شماره ۱
۱۰۷	سایت شماره ۲
۱۰۸	سایت شماره ۳
	فصل هفتم : مبانی نظری طرح و روند طراحی
۱۱۵	مبانی نظری طرح مجموعه صنایع دستی
۱۱۵	توجه مفهومی
۱۱۵	توجه عملکردی
۱۱۶	راهبردهای طراحی در پلان
۱۱۷	نحوه استقرار فضا
۱۱۹	آلترناتیویک

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۲۸	آلترناتیو دو
۱۳۴	آلترناتیو سه
۱۳۵	پلان نهایی

شناخت فرهنگ^۱

مردم شناسی که سنتهای قومی و نظامهای خویشاوندی و سیر تکوینی و تحولی دستاوردهای فکری و فنی و تجربی انسان را می‌شناسند و می‌شناسانند همه و همه فراراه پژوهشهای خود به پرتویی از روشنایی چراغ فرهنگ شناسی نیازمندند.

واژه فرهنگ

فرهنگ واژه ای فارسی و مرکب از دو جزء « فر » و « هنگ » است . فر پیشوند و به معنی جلو ، بالا ، برو پیش آمده است. هنگ از ریشه اوستایی تنگ (Thanga) و به معنی کشیدن و سنگینی و وزن می باشد. این واژه مرکب که از نظر لغوی به معنی بالا کشیدن و بیرون کشیدن است ، هیچگاه در ادبیات فارسی به مفهومی که برخاسته از ریشه کلمه باشد نیامده است .

مفهوم فرهنگ

در ادبیات فارسی، اصطلاح فرهنگ ، به حسب زمان و مورد (قبل و بعد از اسلام) با مفاهیم مختلف به کار رفته است که برای آشنایی با مفهوم (یا مفاهیم) و روشن شدن تعریف (یا تعاریف) آن ، چند نمونه ذکر می شود :

الف : به معنی دانش و حرفه و علم (در متن پند نامه آتورپات اسپنتامان آمده است)

ب : در کارنامه اردشیر بابکان به معنی فنون و ورزشها آمده

پ : فردوسی واژه فرهنگ را به معنی و مترداف با دانش و هنر می داند

ت : در قابوسنامه واژه فرهنگ مترداف با هنر و به معنی آموختن و به کار بستن آمده است

ث : در برهان قاطع بر وزن و معنی فرهنگ است که علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی ،

کتاب لغت فارسی ، مادرکیکاووس ، دهانه و مظهر قناعت (فرنگ) (در بعضی مناطق خراسان)

ج : با نزوع تعلیم و تربیت جدید در ایران ، واژه فرهنگ به معنی آموزش و پرورش به کار رفت

چ : در زبان و بیان روشنفکران اصطلاح با فرهنگ مترداف با کلمات مبادی آداب ، اهل مطالعه ،

خوش مشرب و بالاخره آشنا به آداب و رسوم خواص و اشراف

معادل فرهنگ در زبانهای اروپایی :

واژه کولتور (در زبان فرانسه) و کالچر (Caltara) در زبان انگلیسی با اصطلاح فرهنگ به مفهومی

که در انسان شناسی به کار می رود معادل است .

معادل فرهنگ در زبان عربی :

با ورود کولتر به وسیله جامعه شناسان و مردم شناسان در ادبیات و زبان عربی اصطلاح « ثقافه » را

دانشمندان علوم اجتماعی عرب معادل آن قرار دادند.

این لغت از ریشه ثقف به معنی آموختن ، ماهر شدن و یافتن آمده است .

تعریف و تبیین فرهنگ :

دیدگاههای مختلف فلسفی ، دینی ، اجتماعی ، روانشناسی در متمایز ساختن انسان از سایر حیوانات

هر یک توصیفی را چون انسان حیوانی است ناطق انسان حیوانی است دین دار ، انسان حیوانی است

اجتماعی و ... عرضه نموده اند و بالاخره انسان شناسی و بویژه مردم شناسی او را با انسان حیوانی

^۱. روح الامینی - محمود - زمینه فرهنگ شناسی - انتشارات عطار - تهران - ۱۳۷۲

اجتماعی و ... عرضه نموده اند و بالاخره انسان شناسی و بویژه مردم شناسی او را با انسان حیوانی است با فرهنگ توصیف می کنند. بشر برای اینکه محیط طبیعی را برای زیستن آماده کند و از منابع و نعمتهایی که ابر و باد و مه و خورشید و فلک در پیرامون او گسترده اند استفاده کند، قرن‌ها و قرن‌ها تلاش کرد، اندیشه نمود، ابزار ساخت، به اکتشاف و اختراع دست زد تا وسایل آسایش خود را فراهم آورد و عوامل ناراحتی خود را از میان بردارد و حاصل این تجربه‌ها و دستاوردها و اکتشافها و مهارتها را به فرزندان خود سپرد و آنان نیز به سهم خود این میراث را با تغییر دادن و کاستن و افزودن به نسل بعد سپردند و بدین روال هر که آمد بر آن کرد تا به این غایت رسید. این میراث را دانشمندان علوم اجتماعی فرهنگ یا کولتور یا ثقافه می نامند و تعاریف مختلف و متنوعی را برای آن بیان داشته اند. تعاریف فرهنگ ظاهراً به دویست، سیصد و حتی بیشتر می رسد که در این جا تنها نمونه هایی از این تعاریف برای روشن شدن وسعت قلمرو موضوعی فرهنگ عرضه می گردد:

□ فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.

□ مجموعه به هم پیوسته ای از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریح که بوسیله اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است و برای این که این افراد، گروهی معین و مشخص را تشکیل دهند لازم است که آن مجموعه به هم پیوسته به نحوی در عین حال عینی و سمبلیک - مراعات گردد.

□ فرهنگ عبارت است از اعتقادات، رسوم، رفتار، فنون، سیستم تغذیه و بالاخره مجموعه آنچه که فرد از جامعه خود می گیرد. یعنی مجموعه ای که نتیجه فعالیتها و ابداعات شخص او نیست بلکه به عنوان میراث گذشتگان از راه فراگیری مستقیم و غیر مستقیم به او منتقل می شود.

□ فرهنگ از نظر عامه مردم به معنی موقعیت هنری و فکری متعالی است و توسعه علم و هنر و ادبیات و فلسفه بیانگر نبوغ یک ملت است ولی از نظر جامعه شناسان و مردم شناسان فرهنگ علاوه بر همه اینها شامل تمامی چیزهایی است که فرد، به عنوان عضو، از جامعه کسب می کند. یعنی همه عادات و اعمال که فرد از راه تجربه و سنت آموخته است به انضمام تمام اشیاء مادی که توسط گروه تولید می شود و آنچه را که می توان در آثار هنری یا مطالعات علمی متجلی دید. به علاوه در آنچه که می خوریم و می آشامیم و می پوشیم، در انواع خانه هایی که بنا می کنیم، در روابطمان با اعضاء خانواده خود و با سایر افراد جامعه، در نظام ارزشی جامعه، در آنچه می آموزیم، در تصورمان از خوب و بد، در آرزوهایمان، در نظرمان نسبت به سایر جوامع و در بسیاری چیزهای دیگر تجلیات فرهنگ مشهود است.

ویژگیهای فرهنگ :

۱- فرهنگ «عام» ولی «خاص» است : در همه جوامع انسانی این میراث مشترک و عمومی دیده می شود ولی میراث هر جامعه خاص و متخصص خود می باشد و فرهنگ هر جامعه خاص همان جامعه است .

۲- فرهنگ متغیر ولی ثابت است : تمام پدیده های اجتماعی و نیز غیر اجتماعی بنابر مقتضیات زمان و مکان و مطابق نیازها ، اختراعات و تجربیات و... دستخوش تغییر و تحول قرار میگیرد ولی این تغییر به قدری کند صورت می گیرد که به ظاهر ثابت به نظر می رسد :

هر نفس نو می شود دنیا و ما بی خبر از نو شدن اندر بقا

۳- پذیرش فرهنگ اجباری ولی اختیاری است : فرهنگ تمام حیات اجتماعی ما را در بر می گیرد ولی به ندرت خود را آشکارا بر افکار و اعمال ما تحمیل می کند . البته لازم به توضیح است که این ویژگیهای سه گانه فرهنگ امروزه با وجود تکنولوژی جدید ، تسهیلات حمل و نقل امکانات سمعی و بصری دستخوش تغییر شده است .

فرهنگ مادی و غیر مادی :

تقسیم بندیهای مختلفی را در پدیده های فرهنگی قایل شده اند که از آن جمله ، فرهنگ مادی و غیر مادی است .

فرهنگ مادی :

به مجموعه پدیده هایی اطلاق می گردد که محسوس ، ملموس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و علمی است مانند فنون ، ابزارهای کاربردی و تولیدی ، وسایل موتوری ، فنون پزشکی و...

فرهنگ غیر مادی :

به موضوعات و مسائلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و با کسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند : معتقدات ، ضوابط خویشاوندی ، زبان ، هنر ، آداب و رسوم و ... که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهد . و بالطبع از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن ضایعه است که قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می کند . در صورتی که فرهنگ مادی را می توان با گرفتن از فرهنگهای دیگر توسعه داد و غنی ساخت فرهنگ غیر مادی در واقع همان چیزی است که بیشتر مورد مطالعه موضوع مردم شناسی قرار می گیرد .

تلمرو و گسترش

فرهنگ و سنن :

واژه سنن عربی در لغت به معنی راه ، روش ، طریقه و عادت است . اصطلاح سنن ها یا سنن در مردم شناسی معادل کلمه «ترادسیون» به کار می رود که بخشی از فرهنگ غیر مادی است . این اصطلاح در فارسی به مفهوم زیر است :

این مفهوم که در مردم شناسی نیز مورد نظر است معمولاً به صورت جمع و مترادف با آداب و رسوم به کار می رود و آن عبارتست از اعمال و رفتاری که در خانواده ، قبیله و جامعه از زمانهای گذشته به ارث مانده و برای انجام آن اعمال و رفتار ، دلیل منطقی یا دستور صریح یا قانون مدونی وجود ندارد .

سنن و آداب و رسوم را که در شمار دانش عامیانه (فولکلور) نیز می آورند ، بایستی دارای سه ویژگی باشد :

الف : رواج و اجرای آن در یک جامعه عمومیت داشته باشد

ب : اجرای آن در جامعه تداوم داشته و حداقل از یک نسل به ارث رسیده باشد .

ج : افراد به طور خود به خودی و به صورت عادی و بدون این که مجبور باشند به آن عمل نمایند .

آداب و رسوم هر جامعه است که هویت فرهنگی یک جامعه را رنگ می بخشد .

فرهنگ و فولکلور :

فولکلور در لغت به معنی دانش عوام به کار می رود، کلمه فولکلور Folklore در زبان انگلیسی از دو جزء Folk به معنی توده مردم ، عوام و Lore به معنی معلومات و دانش ترکیب یافته است . این اصطلاح در زبان فارسی به فرهنگ توده ، فرهنگ عامه ، فرهنگ مردم و ادبیات عامه ترجمه شده و در عین حال واژه فولکلور همزمان با رواجش در مطالعات مردم شناسی به زبان فارسی نیز راه یافت. با توجه به مفاهیم و تعاریف فرهنگ ، اصطلاحات ، فرهنگ عامه و فرهنگ مردم که بوسیله رسانه‌های گروهی نیز تا اندازه ای رایج گردیده است نمی تواند در برابر کلمه فولکلور معادلی متناسب و دقیق و گویای مقصود باشد . زیرا فرهنگ با قلمرو وسیع موضوعی ، نه محدود به فولکلور و نه منحصر به عوام می شود و باورهای فولکلوری در تمامی گروهها و خانواده های جامعه اعم از خواص و عوام وجود دارد.

وان ژنپ در تعریف ، فولکلور را عبارت از باورها و اعمال گروهی می داند که با موازین علمی و منطقی جامعه انطباق ندارد و اجرای آنها بر حسب عادت و تقلید و هم چشمی و سرگرمی صورت می گیرد مانند مراسم و باورهای پیرامون تولد ، ازدواج ، مرگ و میر و آداب و خوراک و پوشاک در جشنها و نیز آوازاها و قصه ها ...

و اریناک در کتابی که در تعریف و تبیین فولکلور است به ذکر سه خصوصیت آن می پردازد :

۱- فولکلور میراث گذشته است .

۲- دارای هیچگونه روش علمی و استدلال منطقی نیست و در مجامع رسمی جایی ندارد

۳- با وجود تغییرات و تحولات اجتماعی دست نخورده در کنار ارزشها و پدیده های جدید جامعه قرار می گیرد .

بنابراین تعاریف و تعابیر، روشن است که نمی توان فرهنگ و فولکلور را مترادف یا معادل یکدیگر دانست، بلکه باید گفت که فولکلور جزئی از مجموعه اعمال و رفتار فرهنگی جامعه است.

در ایران، جمع آوری و تحقیق درباره فولکلور به طور منظم و علمی به وسیله زنده یاد صادق هدایت شروع گردید ، وی روشی را نیز برای جمع آوری فولکلور عرضه داشته است . هدایت در عین حال که هیچگاه اصطلاح فرهنگ را در این مورد به کار نبرده است ، باورها و اعمال و رفتارهای فولکلوری ایران را به دو دسته تقسیم می کند ، دسته ای را خوب و پسندیده می داند و دسته ای دیگر را که به نظر وی از خارج به ایران آمده خرافاتی و مضر می شناسد . او عقیده دارد که با ضبط و انتشار می توان آنها را شناسنامه و از رواج مضرها جلوگیری کرد .

هویت فرهنگی

در مبحث عام و خاص بودن فرهنگ ملاحظه گردید که هر گروه اجتماعی دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصاد مقررات مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود می باشد. این خصوصیات، که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می سازد، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. به عبارت دیگر گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت های طایفه ای، مفاخر ملی، اسوه های دینی، تعصب های قومی، هنر و ادبیات موروثی هویت فرهنگی جامعه را تشکیل می دهد.

هر جامعه ای معمولاً همه جا و همه وقت بر اصالت هویت فرهنگی خود تاکید می کند و می کوشد که با قدرت و غرور مشخصه های این هویت را زنده نگه دارد و از آن دفاع کند.

امروزه در کشورهای معروف به جهان سوم که نفوذ کشورهای مسلط و مهاجم فرهنگ جامعه را تضعیف کرده و تهدید به نابودی می نماید شناخت و مرزبندی هویت فرهنگی کمال اهمیت را دارد و یکی از ابعاد مبارزات استقلال طلبانه است.

هویت فرهنگی جامعه به سه عامل بستگی دارد: تاریخی، زبانی، روان شناختی. اهمیت عوامل فوق در موقعیت های تاریخی و اجتماعی یکسان نیست. هر گاه این عوامل به طور کامل در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشد، هویت فرهنگی ناقص می شود. تلفیق موزون این عوامل یک وضعیت ایده آل است.

فرهنگ و تمدن

واژه های فرهنگ و تمدن غالباً با ابهامی که در معنایشان نهفته است به کار می رود و نو آموزان تاریخ را با دشواری روبرو می کنند واژه Culture (فرهنگ) که از Cultura (کولتورا) لاتینی گرفته شده، در اصطلاح شناسی انسان شناسی به خوبی جا افتاده است. پیشینه کاربرد واژه تمدن دیرینه تر است. انسان شناسان چون از ابهام این واژه ناخشنود بودند، آن را کنار گذاشتند و واژه فرهنگ را به کاربردند. البته هم اکنون هر دو واژه بر یک مفهوم دلالت می کنند، جز آنکه دامنه و زمان فرهنگ محدود تر از تمدن است. از این روست که می گوئیم فرهنگ هومری یا تمدن غربی.

تمدن را می توان در شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی می توان تشخیص داد که عبارتند از:

- پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی

- سنن اخلاقی

- سازمان سیاسی

- کوشش در راه معرفت و بسط هنری

نژاد، تمدن را نمی سازد بلکه تمدن است که ملتها را خلق می کند انسان با حیوان تنها اختلافی که دارد در مسئله تربیت است. در تعریف تربیت می توان گفت وسیله ای است که مدنیت را از نسلی به نسلی دیگر منتقل می سازد.

خط مشی فرهنگ سه هدف اساسی را به دنبال دارد :

- ۱- حفظ و انتقال میراث فرهنگی و طبیعی ، با توجه به فراهم آوردن زندگی بهتر
- ۲- ایجاد فرصتهای بهتر برای افراد و گروهها در به کار گرفتن تسهیلات اجتماعی فرهنگی ، با افزودن هرچه بیشتر آگاهی اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی آنان نسبت به توان بالقوه خود و نیز با بیشتر منطبق ساختن این تسهیلات با منافع و آرمان همگانی .
- ۳- برانگیختن تلاش فوق العاده در ساختن فرهنگ نوین که بتوان آن را در بهبود کیفیت زندگی و توزیع هر چه درستتر دانش و فرهنگ ، در آمد و قدرت سهیم ساخت .

۱- شورای جهانی صنایع دستی:

با تأسیس سازمان ملل متحد، محافظت از میراث‌های فرهنگی بشری بر عهده یونسکو یا سازمان تربیتی - علمی و فرهنگی ملل متحد گذاشته شده است:

از سال ۱۹۶۴ میلادی با تأسیس "شورای جهانی صنایع دستی"، در قالب یکی از ارگان‌های وابسته به یونسکو، صنایع دستی و سنتی به صورت بخشی از حیات فرهنگی اقتصادی ملل مورد توجه قرار گرفت.

در بدو امر شورای جهانی صنایع دستی با شمار محدودی از اعضا کار خود را آغاز کرد و در حال حاضر، ۹۰ کشور جهان را تحت پوشش دارد. دبیرخانه آن در شهر آمستردام کشور هلند قرار دارد.

مهمترین هدف‌هایی که این شورا بعنوان یک ارگان غیر انتفاعی قائل شده است عبارتند از:

۱- تشویق، کمک و راهنمایی صنعتگران دستی و همچنین بالا بردن سطح اطلاعات تخصصی و حرفه ای آنها با توجه به زمینه های متفاوت فرهنگی موجود در هر یک از کشورهای عضو.

۲- حفظ و تقویت صنایع دستی و تجلی آن به صورت رکن عمده ای از حیات فرهنگی ملتها.

۳- ایجاد همبستگی میان صنعتگران دستی جهان.

از هر کشور تنها یک سازمان میتواند به عنوان نماینده صنعتگران آن کشور، به عضویت شورا درآید و سازمان صنایع دستی ایران از سال ۱۳۴۷ به عنوان ارگان مسئول متولی صنایع دستی کشور به عضویت شورای جهانی صنایع دستی درآمده است.

مهمترین منبع تأمین هزینه های شورا، کمک سالانه کشورهای عضو است که بعنوان حق عضویت پرداخت می شود. ارکان عمده شورا عبارتست از: مجمع عمومی و هیأت اجرایی.

شورای جهانی صنایع دستی علاوه بر مجمع عمومی دارای پنج مجمع منطقه ای برای آسیا و اقیانوسیه، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی است که در رأس هر یک از آنها یکی از معاونان شورای جهانی صنایع دستی قرار دارند. مجامع عمومی هر دو سال یک بار و مجامع منطقه ای به طور سالانه در یکی از کشورهای عضو تشکیل جلسه می دهند و طی آن درباره موضوعاتی که قبلاً از طریق تماس دبیرخانه شورا با اعضا در دستور کار قرار گرفته است بحث و گفتگو می شود.

سایر فعالیتهای شورا برای رسیدن به اهداف یاد شده عبارتست از:

۱- ایجاد ارتباط با سایر سازمانهای بین المللی و استفاده از کمکهای آنها نظیر یونسکو، برنامه عمران ملل متحد (یا برنامه توسعه ملل متحد) (U.N.D.P) و بانک جهانی.

۲- ارتباط و مذاکره با اتحادیه های اقتصادی بین المللی نظیر جامعه اروپا ((E.C)، درباره تعدیل حقوق گمرکی و ایجاد تسهیلات برای ورود صنایع دستی از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

۳- فراهم کردن زمینه و ایجاد ارتباط برای مبادله کارشناس و کارآموز بین کشورهای عضو.

۴- برگزاری کنفرانسها، سمینارها، نمایشگاههای بین المللی صنایع دستی.

۵- تهیه و انتشار کتب و گزارشهای تخصصی و همچنین نشریه خبری که حاوی رویدادهای گوناگون صنایع دستی در جهان است.

در مجموع مهمترین نتیجه ای که از تلاشهای جهانی صنایع دستی حاصل شده است، جلب توجه ملتها نسبت به اهمیت فوق العاده صنایع دستی در زندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ملت‌هایشان است. همچنین از طرف شورا روز ۱۰ ژوئن (۲۰ خرداد) به عنوان روز جهانی صنایع دستی تعیین شده است.

۲- تعریف صنایع دستی^۱

صنایع دستی، به ویژه صنایع دستی روستایی، در کلیه کشورهایی که از این « هنر - صنعت » برخوردارند و از نظر مواد اولیه و نیروی انسانی امکان تولید دارند، نوعی فعالیت اقتصادی است که منجر به تولید کالاهای جدیدی می شود.

آمیختگی شدید این فعالیت با سنت ها، عادات و بینش سازندگان و همچنین تأثیر محسوس محیط جغرافیایی در این صنعت از جمله مسایلی است که باعث تمایز آن از فرآورده های کارخانه ای می شود. زیرا بر خلاف مصنوعات کارخانه ای که در مقیاس زیاد و به طور یک شکل تولید می شود، صنایع دستی هر منطقه و حتی تولیدات هر صنعتگر از نظر طرح، شکل و اندازه از اشیاء مشابه خود متمایز و مشخص است و در اکثر موارد مایه ای از فرهنگ سازندگان خود را به همراه دارد.

اصطلاح صنایع دستی از نظر لغوی دارای مفهوم واحد و ثابتی نیست و هنوز تعریفی که جامع و کامل و مورد پذیرش همه کارشناسان و سازمانهای مسئول در کشورهای مختلف باشد وضع نشده. به عبارت دیگر، صنایع دستی چه در بیان عادی و چه در اصطلاح فنی دارای مفاهیم متعددی است. به این معنی که گاهی اوقات حاکی از نحوه ساخت کالا است. مثلاً « دست ساز ». گاهی بازگو کننده ویژگی یک محصول است « مثل محصول دستی هنری » و در مواردی نیز حکایت از منطقه جغرافیایی تولید دارد. « نظیر صنایع دستی روستایی ».

در دایره المعارف بریتانیکا آمده: « صنایع دستی به آن گروه از صنایعی گفته می شود که مهارت، ذوق و بینش انسان در آن نقش اساسی دارد » و از دیدگاه استاد علی اکبر دهخدا صنایع دستی عبارت است از: « آنچه با دست ساخته می شود، از قالی و پارچه و ساخته های فلزی و غیره » و دکتر معین را عقیده بر این است که: « صنایع دستی شامل صنعت هایی است که دست در آنها دخیل باشد، مانند پارچه بافی و قالی بافی ».

در یک کلام: « صنایع دستی به آن گروه از صنایع اطلاق می شود که در تمام یا قسمت اعظم مراحل ساخت فرآورده های آن با دست انجام گرفته و در چهارچوب فرهنگ و بینش های فلسفی و ذوق و هنر انسانهای هر منطقه با توجه به دیدگاههای قومی آنان ساخته و پرداخته می شود » و بر مبنای مجموع تعاریف می توان ویژگیهای زیر را برای صنایع دستی برشمرد:

صنایع دستی از جمله فعالیت هایی است که در آن دست انسان دارای نقش اساسی میباشد. صنایع دستی از معدود صنایعی ملی و ناوابسته ای است که به هیچ وجه نیازمند کارشناس و متخصص خارجی نیست و مواد اولیه مورد مصرف در آن معمولاً مواد ساده ای را شامل می شود که به آسانی

۱. حسن بیگی، محمد رضا. مروری بر صنایع دستی ایران. صفحه ۱۹

قابل تأمین است .

فعالیت در اکثر رشته های صنایع دستی محتاج ابزار و وسایل چندان پیچیده و سرمایه ای زیاد نیست و در واقع ذوق، استعداد و مهارت صنعتگر اصلی ترین و مهمترین عامل تولید به حساب می آید .

صنایع دستی، خصوصاً در مناطق روستایی یکی از عوامل مکمل اقتصاد کشاورزی بوده و به دلیل دارا بودن قابلیت های ایجاد کار و درآمد می تواند ایام فراغت روستائینان را پر کند و مانع مهاجرت های دایمی یا فصلی آنان شود .

فرآورده های دست ساز به دلیل برخورداری از ویژگیهای مصرفی کاملاً توانایی جانشینی محصولات ماشینی را داشته و با بهره گیری از تکنیکی بسیار بدوی و ساده می تواند از وابستگی به اتوماسیون که نهایتاً منجر به نوعی وابستگی برای کشورهای عقب نگاهداشته خواهد شد بکاهد.

صنایع دستی بازتابی از تاریخ و تمدن هر قوم و ملت بوده و از آنجا که مهارتها و تخصص ها نسل به نسل از پدر به فرزند و از استادکار به شاگرد انتقال یافته و نظر به اینکه در اجتماعات روستایی بر خلاف جوامع شهری سنت ها و عادات اجتماعی و فرهنگی کمتر دستخوش تغییر شده و پیوسته نوعی حالت ثبات و تمایل به حفظ ارزش های موجود بر مناطق روستایی حاکم بوده . صنایع دستی میتواند عامل انتشار مؤثری برای فرهنگ ها و سنن مناطق مختلف کشور باشد .

با توجه به تعریف فوق و از آنجا که معمولاً صنعتگران و هنرمندان هر منطقه از ذوق و سلیقه، آداب و رسوم محلی و طرح های اصیل منطقه برای تولید فرآورده هایشان بهره می گیرند، نا همانندی وعدم تشابه از ویژگی های صنایع دستی است و در نتیجه، محصول دست هر صنعتگر به سادگی از محصولات مشابهی که توسط صنعتگری دیگر ساخته شده قابل تشخیص است.

صنایع دستی با ویژگی های خود به دو دسته شهری و روستایی قابل تقسیم است که هر یک از این نوع نیز نسبت به هویت و کیفیت خود می تواند کارگاهی یا خانگی و دایم یا فصلی باشد .

صنایع دستی یکی از قدیمی ترین و پر پیشینه ترین فعالیت های بشری است که به موجب برخی از اسناد و مدارک تاریخی، سابقه پیدایش آن به عصر حجر می رسد و حاصل کاوش های باستان-شناسان حکایتگر آن است که از آغاز زندگی بشر بر روی زمین ساخت ظروف و پاره ابزار مصرفی دیگر نظیر نیزه و خنجر به عنوان وسیله شکار یا اسباب دفاع از سنگ معمول شده و به موازات پیشرفت فکری بشر، استفاده از سایر مواد موجود در طبیعت نظیر خاک، چوب، سنگ آهن، مس و بالاخره پوست و پشم و کرک حیوانات و همچنین الیاف گیاهی رواج یافته و شواهدی در دست است که نشان می دهد که این نوع صنایع با عمر دوازده هزار ساله که پشت سر گذاشته اند در مراحل مختلف تکامل اقتصادی ؛ یعنی اقتصاد شبانی - اقتصاد کشاورزی و حتی اقتصاد صنعتی تأمین کننده بسیاری از احتیاجات بشر بوده و بخصوص تحت شرایط اقتصاد بسته نقش حساس و تعیین کننده در تأمین نیازمندیهای مردم جوامع مختلف داشته اند . این وضع به ویژه در قرون وسطی به نحو بارزی جلوه گر بوده و دوره رنسانس در اروپا، در تکامل هنری صنایع دستی تأثیر